

منازعات میان ملیت های مختلف در کمپ پناهجویی موریبا باید متوقف شود!

خبرهای نگران کننده ای از کمپ موریبا به بیرون می رسد. بنابه گزارش هواداران «مبارزه برای جهانی بدون مرز» از جزیره موریبا بعد از ظهر روز یکشنبه 5 جولای در منازعه و درگیری ای که بین پناهجویان افغان و افریقایی ها بوقوع پیوست دوتن از جوانان افریقایی کشته و تعدادی به شدت مجروح شدند. این در شرایطی اتفاق می افتاد که یک جوان افریقایی دیگر چند روز قبل از آن به ضرب چاقو کشته شده بود. در پی این حوادث پناهجویان افریقایی دست به شورش زده و چند کلبه ی محقر افغان ها را تخریب کردند و آماده حمله به افغانها شدند. افغانها هم آمادگی حمله متقابل را گرفتند. پولیس ضد شورش به محل آمده و با تهدید پرتاب گاز اشک آور دست گیری و زندانی نمودن عده ای از تظاهرکننده گان درگیری را ظاهرا ختم کرد؛ ولی در هر لحظه روز و شب و بخصوص شب احتمال حمله و درگیری وجود دارد.

این حوادث اختلافات شدید ملیتی را بین مردمان کشورهای مختلف داخل کمپ بوجود آورده و صف بندی های ضد مردمی را در بین آنها ایجاد می نماید که احتمال منازعات و درگیری های بیشتر و تلفات گسترده تر را در بر خواهد داشت.

بارها اتفاق افتاده که زنان و کودکان و نوجوانان تحت فشار قرار گرفته و تهدید به ضرب و شتم و حتی مرگ شده اند ولی مسئولین در قبال آن بی تفاوت و بی اعتناء بوده و بازگشت به زندگاه را برای شکایت کننده مشوره داده اند. خوف و وحشت فضای کمپ را پر کرده است تا جایی که زنان و کودکان از ترس تعرض و تجاوز شسب ها به توالی نمی روند. این کمپ از هیچ گونه امنیتی برخوردار نیست.

درین کمپ بر سر تصاحب و سوء استفاده از زنان تنها و کودکان بی دفاع و بی سرپرست، جنگ ها و درگیری های خونین بوقوع می پیوندد صدمات جسمی و روحی این حوادث خاطرات تلخ و جانکاهی رادر زنان و اطفال گزارده که تا آخر عمر دامنگیر آنها خواهد بود. در حادثه ای که چندی پیش به وقوع پیوست گلوی یک زن بریده شد.

منازعات و درگیری میان باندهای مختلف مدتهاست که در این کمپ ادامه دارد. این نوع درگیری ها مختص کمپ موریبا نیست و در کمپ های مختلف پناهجویی وجود داشته است مثل اتفاقاتی که در یونان و صربستان و سابقا در جنگل های کاله فرانسه و در کمپ های پناهجویان در کشورهای دیگر اتفاق افتاده است. به طور مثال در درگیری دیگری که اخیرا بین پناهجویان پاکستانی و افغانستانی در صربستان رخ داد 2 افغانستانی کشته شدند.

آنچه بیش از پیش بر نگرانی ها افزوده است شدت گرفتن و خشن تر شدن آن است و وحشتی را که برای پناهجویان بخصوص برای زنان تنها و کودکان که هر گونه امنیت خود را از دست داده اند بوجود آورده است.

وجود و گسترش این برخوردها و درگیری ها میان پناهجویان چندین علت دارد. یکم وجود برخی عناصر وابسته به قاچاقچیان انسان در این کمپ های پناهندگی که جنبه ای همیشگی به خود گرفته است. این عناصر بنا به ماهیت شغلی اشان با خشونت و اعمال زور به بقیه برخورد می کنند. رهبران باندهای قاچاق اهداف خود را از طریق رابطه های خود به پیش می برند. آنها از طریق رشوه های ناچیزی که اساسا بلف است عناصری را در این کمپ ها می خردند تا رابط و یا به اصطلاح نوچه خود کنند و در جهت کسب مشتری از میان پناهجویان و سرقت امکانات آنها - سیاستهای خود را به پیش برند. پیشبرد چنین سیاستهایی توسط باند های مختلف در محیطی محدود به اصطکاک انجامیده و در مواردی منفجر می شود.

از طرف دیگر جلوی فعالیت این باندها نه تنها از طرف مسئولین کمپ گرفته نمی شود بلکه دست آنها نیز باز گذاشته شده که باعث می شود کنترل کمپ عملا بدست این باندها بیفتد تا بتوانند از طریق این باندها به کنترل کمپ و پناهجویان از ملیت های مختلف بپردازند. مسئولین کمپ ها عملا سردرسته های باند ها را به مثابه نماینده پناهجویان از ملیت های مختلف به رسمیت می شناسند. این شیوه در بیشتر کمپ های پناهجویی سابقه داشته است. پناهجویان عادی برای امنیت خود در مقابل باند ملیت دیگری گاهها مجبورند به باندهای از ملیت خود پناه برند و در نتیجه باید در مقابل این "خدمات" اگر پولی دارند بپردازند و یا مطیع آنها باشند، و یا به نوعی دیگر "خدمات" ارائه دهند. این مسئله در مورد پناهجویان تازه وارد به کمپ بیشتر صدق می کند. دلیل دیگری که مسئولین کمپ و پلیس اساسا کاری به کار این باندها ندارند اینست که پناهجویان با درگیر شدن در این منازعات که رنگ ملیتی به خود می گیرد، فکرا و عملا مشغول شده و اساسا یا مجبور به برگشت می شوند و یا اوضاع و شرایط بد زندگی در کمپ به یک امر فرعی مبدل می شود و از اعتراضات و شورشها علیه این شرایط کاسته می شود. به دلیل ازدحام بیش از حد جمعیت در کمپ موریبا و طولانی شدن اقامت، منازعات و درگیری ها به طور روزافزونی خشونت آمیز تر شده و به نوعی دیگر کنترل کمپ را بارها از دست مسئولین خارج کرده و باعث دخالت پلیس ضد شورش شده است.

درگیریها و کشمکشها و حوادث هولناک علیه پناهجویان در این کمپ همواره به نوعی رخ داده است. آتش سوزی در کمپ موریایا بارها اتفاق افتاده است که علت آن روشن نگردیده، پلیس همیشه پناهجویان را متهم کرده است، اما احتمال اینکه فاشیست های ضد خارجی به این آتش سوزی ها دامن زده باشند و یا اینکه آتش سوزی در نتیجه جنگ ها و دعوای میان باندهای مختلف بوده باشد نیز خارج از ذهن نیست.

پناهجویان با گذشتن از سختی ها و موانع متعدد به یونان و جزیره ی لیسبوس می رسند. جزیره ی کمپ موریایا در آن قرار دارد. کمپی که جهنم پناهجویان نام گرفته جهنمی که خود آنها را سوزانده و آرزوهای آنها را به باد فنا می سپارد.

درین کمپ است که آرزوی بهشت اروپا از ذهن هزاران انسان به باد فنا می رود. شرایط داخل این کمپ روز بروز بدتر و اسفناکتر می شود و در حال حاضر بدترین شرایطش را دارد. آزار واذیت جنسی و تجاوز به زنان و کودکان هر روزه شدت می یابد و به یک امر عادی تبدیل شده است.

چنین شرایطی نمی تواند و نباید ادامه یابد. مبارزه متحد، فرامرزی، نژادی جنسی و ملی بر علیه سیاستها و خطراتی که پناهجویان را تهدید می کند، امری ضروری و مشترک است و اتحاد همه پناهجویان از کشورهای مختلف را طلب می کند.

دولت یونان چماق کشورهای پیشرفته اروپایی است و وظیفه دارد که با هروسیله ی ممکن مانع از ورود پناهنده ها به اروپا گردد. پناهجویی محصول عملکرد خشن و ضدبشری ای است که توسط کشورهای امپریالیستی بر مردمان کشورهای عقب نگه داشته شده تحمیل شده است. امپریالیست ها در پی سود و فوق سود ها و رقابتهایشان، جنگهای خانمانسوز و فقر و فاقه را بر مردمان کشورهای جهان تحمیل و آنها را مجبور به انجام شاقه ترین کارها با حداقل مزد، نموده اند. خانه بدوشی میلیونها انسان نتیجه جنگ ها و سیاست های آنها در کشورهای جهان سوم است. وضع زندگی اکثریت مردم جهان روبه وخامت می رود و تعداد پناهجویان در جهان با سرعت سرسام آوری روبه افزایش اند و طی یکسال گذشته بیش از صد میلیون بر تعداد پناهجویان جهان افزوده شده و تعداد آنها به مرز 800 میلیون نفر رسیده است.

کشورهای مقصد اولویت ها، منافع و سیاستهای خود را در برخورد با پناهجویان دنبال می کنند. آنها از طرق مختلف تلاش می نمایند تا بین پناهجویان از کشورهای مختلف و ملیت های مختلف اختلاف بیاندازند. درک این مسئله و مبارزه بر علیه این جداسازی بخش مهمی از مبارزه کل پناهجویان بر علیه سیاستهای ارتجاعی این کشورهاست. بازگذاشتن دست قاچاقچیان انسان در درون کمپ ها بخشی از این سیاست است، که باید با هشیاری بدان برخورد شود.

پناهجویان باید از این که بازیچه دست باندهای قاچاق انسان و ارتجاعیون و امپریالیستها شوند خودداری کنند. در غیر اینصورت دست ارتجاع را در سرکوب هر چه بیشتر پناهجویان باز می گذارند تا از درگیریهای درون کمپ به نفع خود استفاده کنند و به پلیسی کردن هر چه بیشتر اردوگاهها بپردازد و سیاست های فاشیستی تر اتخاذ نمایند.

ما تمامی پناهجویان را از همه کشورها، ملیت ها نژادها فرا می خوانیم تا برای حفاظت از کمپ ها، حفاظت از زنان و کودکان و همه پناهجویان و امکانات حقیرشان متحد شوند و در مقابل باندهای قاچاق که می خواهند با یارگیری و از طریق عوامل و ارادل و اوباش خود به جان و تن پناهجویان تجاوز نمایند - بدون دادن هیچ امتیازی مقاومت نمایند و سیاست های تفرقه افکنانه امپریالیستها را افشا و خنثی کنند. و برای حرکت در چنین مسیری 1- قطع فوری درگیری و منازعات بین پناهجویان 2- قطع همکاری فوری با باندهای قاچاق که در کمپ ها فعالیت می کنند 3- پیوستن پناهجویان جهت تشکیل دسته های حفاظت از پناهجویان 4- افشاء و طرد مسئولین باندهای قاچاق ضروری است.

مبارزه برای جهانی بدون مرز (افغانستان - ایران)